

دکتر رابرت یاربرو، نامه های کشیشی، جلسه ۱۲،

مقدمه ای بر تیتوس و تیتوس ۱

© ۲۰۲۴ رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت

این دکتر رابرت یاربرو است در آموزش خود درباره نامه های شبانی و آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان. این جلسه ۱۲ است، مقدمه ای بر تیتوس، تیتوس ۱.

ما به مطالعه نامه های شبانی ادامه می دهیم و من این را آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان می نامم. ما قصد داریم مطالعه ای درباره تیتوس را آغاز کنیم و در آغاز می خواهیم یکی از بخش های کلیدی تیتوس را بخوانم. این بخش ترکیبی از چیزی بسیار عملی است، نحوه نگاه ما به دیگران، اما همچنین نگاهی اجمالی به الهیاتی که زیربنای کتاب تیتوس است می دهد، چون تیتوس مشاوره های عملی و تفسیر زیادی درباره محیط کت و مردم جزیره کرت دارد که ممکن است باعث شود فکر کنید شاید این موضوع از نظر الهیاتی ضعیف است و عمدتاً مربوط به لجستیک یا مدیریت مردم است. اما اینجا ترکیب نگاه ما به مردم و نگاه خدا به آن ها و آنچه خدا برای بهبود وضعیت مردم انجام داده را می بینیم.

و بنابراین، خواندیم، زمانی ما نیز نادان، نافرمان، فریب خورده و اسیر انواع هوس ها و لذت ها بودیم. این نامه رسول پولس به تیتوس است. ما در کینه و حسادت زندگی می کردیم، از هم متنفر بودیم و از یکدیگر متنفر بودیم، اما وقتی مهربانی و محبت خدا نجات دهنده مان ظاهر شد، او ما را نجات داد.

نه به خاطر کارهای درستکارانه ای که انجام داده بودیم، بلکه به خاطر رحمت او. او ما را از طریق شستشوی تولد دوباره و تجدید توسط روح القدس نجات داد، که او را به سخاوت از طریق عیسی مسیح نجات دهنده ما بر ما نازل کرد، تا پس از تبریته شدن به فیض او، وارثان با امید به زندگی جاودان شویم. این یک ضرب المثل قابل اعتماد است.

بیاپید از خدا برای این سخنرانی ها درباره تیتوس دعا کنیم. ای پدر آسمانی، بسیار سپاسگزارم که با وجود اشتباهات ما در گذشته زندگی، با وجود اینکه در گناه به دنیا آمدیم و همچنین گناهکار بودیم، مهربانی تو، خدای نجات دهنده ما، در پست ظاهر شد. از شما سپاسگزارم برای کلامی که به جهان آمده و بسیاری را نجات داده است، و از شما سپاسگزارم که آن کلام به ما رسیده است، دعا می کنم که این کلمه در سراسر این سخنرانی ها طنین انداز شود و فیضی که همین الان درباره اش خواندیم، در زندگی همه ما بیشتر شود.

از شما سپاسگزاریم که این، مانند همه حرف های شما، یک گفته قابل اعتماد است و ما خود را به دستان سالم شما می سپاریم در حالی که مطالعه مان ادامه دارد. ما به نام عیسی دعا می کنیم، آمین.

پس، چند یادداشت مقدمه برای تیتوس به خصوص، و در درس اول زیر نظر اول تیموتئوس، بیشتر درباره نامه های کشیشی و مسائل مربوط به نویسندگی و غیره صحبت می کنم، اما به طور خاص تر درباره تیتوس، هدف تیتوس را در آیه ۵ می بینیم. پولس می گوید دلیل اینکه تو را در کرت گذاشتم این بود که بتوانی آنچه ناتمام مانده را مرتب کنی و در هر شهر بزرگان منصوب کنی، همان طور که دستور دادم.

و پولس در این نامه می خواهد تیتوس را تشویق کند و او را عمیق تر زمین گیر کند، چون در این وضعیت که باید رهبران را منصوب و آموزش دهد، مشکلاتی وجود دارد. در آیه ۱۶ فصل اول می خوانیم که افرادی ادعا می کنند خدا را می شناسند، که به نظر چیز خوبی می آید، در داخل و اطراف کلیسا، اما پولس می گوید با اعمال آن ها او را انکار می کنند. آن ها منفور، نافرمان و شایسته انجام کارهای خوب نیستند.

پس پل می خواهد به این نیاز و همچنین عناصر مشکل ساز موجود در کورت پاسخ دهد. نگرانی های پولس را می توان این گونه خلاصه کرد؛ من همه آیات را نمی خوانم چون واقعا باید همه نامه را بخوانم، و این را در یک دقیقه دیگر انجام می دهم، اما او می خواهد رهبران مسیحی به استانداردهای سختگیرانه ای برسند و این کار را انجام دهند. برای داشتن زیرگروه های قوی، اگر به ارتش فکر کنید، اگر واحدهای جنگنده قوی می خواهید، باید افسران خوبی داشته باشید.

و در یک مدرسه ابتدایی، اگر می خواهید بچه ها خوب یاد بگیرند، به یک تیم معلم عالی نیاز دارید. خب، تو کلیسا هم همینطوره. شما به استانداردهای بالایی برای رهبران خود نیاز دارید، و یکی از کارهایی که کتاب تیتوس انجام می دهد این است که نوع ویژگی هایی را که برای رهبری در کلیسا نیاز داریم، بیان می کند.

و البته، اینجا موازی با فصل سوم تیموتی اول است. نگرانی دیگر این است که آموزه مسیحی آگاهی مسیحی را فرا گرفته و در آگاهی و رفتار مسیحی نفوذ کرده تا کلام خدا بی احترامی نشود. و من همه کلماتی که روی صفحه شما هست را نمی خوانم، اما در فصل دوم خواهیم دید که همه گروه های سنی و هر دو جنسیت به طور خاص مورد توجه قرار گرفته اند، و تیتوس طراحی شده تا به تیتوس و کسانی که آموزش می دهد یادآوری کند که نیاز به تحول ذهن مسیحی و زندگی مسیحی است، و نه فقط یک پوشش مذهبی یا افرادی که به خدا ایمان دارند و به کلیسا می روند، بلکه به طوری که در سطحی بسیار بنیادی، کلام خدا با افرادی که واقعا توسط آن کلمه ادعا می شوند، محترم شمرده شود. و من درباره اینکه چگونه پژوهش ها از این دغدغه های عملی بهره برده اند تا بدانند نامه های شبانی در تیتوس چیزی هستند که می توان آن را اسناد اهلی سازی نامید.

آن ها طوری طراحی شده اند که رفتارهایی را نشان دهند که مسیحیان را وادار به تطبیق با فرهنگ کند تا آن ها جا بیفتند و پذیرفته شوند و طرد نشوند. و وقتی هم اساس گفته های پولس و هم رفتارهایی که او توصیه می کند را بررسی می کنیم، این واقعا با فرهنگ همخوانی ندارد. و گاهی اصطلاح کد خانوار را می شنویم و می گوئیم، خب، این ها قوانین خانه هستند و قرار است مسیحیان را در جامعه جا بیندازند.

و اول اینکه، فکر نمی کنم چیزی به نام کدهای خانوار وجود داشته باشد. فکر می کنم این یک افسانه مطالعات عهد جدید است. اما مهم تر از همه، اگر واقعا هم جهت های فصل دوم و هم پایه آن ها در مسیح، تجسد و مصلوب شدن و شستشوی تجدید حیات و همه این ها را مطالعه کنید، درباره زندگی های انقلابی صحبت می کنیم.

ما درباره چیزی صحبت نمی کنیم که در دنیای یونانی-رومی معمول بود. نگرانی دیگر این است که فیض آمدن نخستین مسیح زندگی انقلابی را القا می کند و همچنین میراث عهد عتیق کلیسا، هویت آن به عنوان مردم خدا و سرنوشت آخرالزمانی کلیسا، همه این ها با هم شیوه زندگی مردم را به شیوه های بسیار ابتدایی تغییر می دهند. نگرانی دیگر، و همین الان این را خواندیم، این است که مسیحیان به خاطر آگاهی از وضعیت قبلی خود که بازسازی نشده بود، نسبت به دیگران درگیر اجتماعی و ملاحظه گر خواهند بود و می دانند چقدر شایسته رحمت خدا نیستند.

پس آن ها مغرور نیستند یا احساس نمی کنند از دیگران بهترند، حتی اگر متفاوت زندگی کنند، اما عقده برتری هم ندارند، چون می دانند اگر متفاوت زندگی کنند و اگر به شیوه ای متفاوت زندگی کنند، می توان گفت خب، این بهتر از این روش های بدتر است. این موضوع بر اساس شایستگی آن ها نیست. این بر اساس خدا و رحمت او و آنچه در مسیح به او داده شده است.

نگرانی دیگر این است که مسیحیان از جنجال های بی فایده دوری کنند. عیسی گفت: خوشا به حال صلح طلبان و نه جدل گرایان. و در حالی که باید در برخی نقاط تضاد وجود داشته باشد، نه درگیری بی فایده یا

جنگال بی فایده، پولس می خواهد از آن اجتناب کند و تیتوس را حفظ کند و رهبران مسیحی را از گرفتار شدن در جدل های بی ثمر بازدارد.

و در نهایت، در سراسر تیتوس دعوت مسیحیان به عمل و رفتار دگرگون شده را می بینیم. و این موضوع آنقدر تأکید می شود که ممکن است تعجب کنید آیا به گرایش اجتماعی ضدونو می اشاره دارد، گرایشی در جامعه به بی قانونی بودن و نبودن قوانین یا پلیس. و در طول مسیر درباره این موضوع صحبت خواهیم کرد.

یا این قدر بر رفتار تأکید می شود چون در کلیسا ترس از برجسته شدن و مواجهه با طرد شدن وجود دارد؟ اگر مثل یک مسیحی زندگی کنی، مردم آن را می شناسند و شاید تو را به خاطرش تنبیه کنند. دلیلی وجود دارد که این دعوت به اعمال نیک، این دعوت به تحول زندگی ها، در کتاب تیتوس این قدر برجسته است و ما در ادامه آن را بررسی خواهیم کرد. تایتوس کجاست؟ خب، تایتوس در کرت است.

و کرت کجاست؟ و اگر به نقشه های گوگل مورد اعتمادمان نگاه کنیم، نقشه ای از مدیترانه خواهیم دید. دارم نزدیک تر می شوم. و درست آنجا کرت است.

حالا این گوگل یونانی است چون یونان آن بالا است، ترکیه آن طرف است، ایتالیا آن طرف است و رم آن بالا است. و این جزیره ای در مدیترانه است که دریای اژه در شمال و مدیترانه در اطراف آن قرار دارد. و اینجا پایین، این شمال آفریقا است.

آنجا کرت بود و تایتوس هم آنجا بود. آن جزیره بیش از ۳۰۰۰ مایل مربع مساحت دارد و روی نقشه بسیار کوچک به نظر می رسد، اما امروز کمی کمتر از یک میلیون نفر جمعیت دارد. خیلی ها هستند.

جمعیت کرت بیشتر از ایالت مونتانا است که ایالت نسبتاً بزرگی است. این مکان خانه تمدن باستانی مینوی بود و اسطوره شناسی یونان کرت را با شاه مینوس و هزارتویی که مینوتور در آن بود که تسئوس کشت، مرتبط می دانست. بنابراین، این مکان در ذهنیت یونانی-رومی یک مکان پرماجرا بود.

در عهد عتیق، کرت در تثنیه و ارمیا با کافتور مرتبط است. عاموس آن را سرزمین منشأ فلسطینی ها می نامد، که ممکن است درست باشد یا نباشد، اما این چیزی است که ما در عاموس آموختیم. بنابراین جزیره از نظر ارتباطات فرهنگی و هویت غنی بود.

در قرن اول قبل از میلاد توسط روم فتح شد و رومی ها کرت را از شمال آفریقا اداره می کردند، بنابراین بخشی از منطقه اداری شمال آفریقا بود. سؤال این است که مسیحیان در کرت چه می کردند؟ عیسی به کرت نرفت و ما نشانه روشنی از تأسیس کلیساها در آنجا نداریم، اما ظاهراً کلیساهایی آنجا وجود دارد. بزرگ ترین اثر درباره مأموریت مسیحیت اولیه از دیدگاه تاریخی در قرن گذشته در کتاب «آخرین نسل» نوشته اکهارت اشنابل منتشر شده است.

دو جلد حجیم به نام «مأموریت مسیحی اولیه» و جلد دوم «پولس و کلیسای اولیه» نام دارند. در صفحه ۱۲۸۴ آن جلد، دکتر شنابل می نویسد که جوامع یهودی بزرگی در کرت وجود داشته اند. و این بدون شک در قرن اول درست است.

و ما از اعمال رسولان می دانیم که در روز پنطیکاست، زائرانی از کرت در اورشلیم حضور داشتند. اعمال رسولان ۱۱:۲ این را به ما می گوید. پس می توان حدس زد که برخی از این افراد ممکن است یهودی بوده باشند، یا به یهودیت گرویده باشند، یا هر کدام از آن ها بوده باشند و برای جشن پنطیکاست در اورشلیم حضور داشته باشند.

و می توانستند پیام مسیحیت را با خود به کرت ببرند. در این صورت، کلیساها می توانستند در اوایل دهه ۳۰ میلادی یا اواسط دهه ۳۰ میلادی در جزیره کرت آغاز شده باشند. یک گزینه دیگر، و دکتر شنابل نیز این را پیشنهاد می کند، او می گوید مأموریتی به کرت پروژۀ ای منطقی برای مبلغین مسیحی یهودی اولیه بود؛ یهودیانی که در حوالی پنطیکاست و پس از آن در اورشلیم به مسیحیت گرویدند.

آن ها می توانستند به کرت بروند و در کرت کنیسه هایی وجود داشته باشد و به کنیسه ها بروند و خبر خوش آمدن مسیح را اعلام کنند. و بعد می توانستیم تصور کنیم کلیسا به اواخر دهه ۳۰ یا ۴۰ میلادی بازمی گردد. پیشنهاد دیگری این است که در اواخر دهه ۵۰، شاهد پولس در کرت هنگام اولین بار در سفر به رم، در اعمال رسولان ۲۷، آن شاهد می توانست کلیسای نوپا را شکل داده باشد.

و سپس وقتی پولس از زندان رومی آزاد شد، می توانست بخواهد آن کلیسا را پس از آزادی محکم تر تثبیت کند. بنابراین، اگر پولس حدود سال ۶۳ میلادی از اولین اسارت رومی آزاد شده بود، می توانست به جزیره سر بزند، نیازهای آن را بررسی کند و تیتوس را آنجا بگذارد تا کار را در کرت گسترش دهد، در حالی که پولس به نیکوپولیس در غرب یونان سفر می کرد، همان طور که در فصل ۱۳ تیتوس می گوید. پس ما کمبود نداریم و دانش مطمئنی درباره تأسیس کلیساها نداریم، اما اگر پولس در دهه ۶۰ میلادی برای تعیین کشیشان به تیتوس نامه می نویسد، ممکن است به نظر نرسد که کلیسا بیش از یک دهه یا بیشتر وجود داشته باشد، چون آموزش و انتصاب مشایخ یکی از اتفاقاتی است که رخ می دهد. همان طور که کلیساها تأسیس می شوند.

و می بینیم که در اعمال رسولان ۱۴:۲۳، در پایان اولین سفر مبلغی، گروه های سلولی تشکیل می دهند و وقتی متوجه می شوند که این گروه ها را داریم، بزرگان منصوب می کنند. پس، تأسیس به وسیله ای ناشناخته در مدت کوتاهی پس از نوشتن پولس، قابل قبول است. حالا یک گزینه دیگر هم هست.

کلیسا ممکن است تا زمانی که پل و تیتوس با آن مرتبط شدند، ۳۰ ساله بوده باشد، اما ممکن است پس از کاشت آن راکد شده باشد. در این سناریو، آغاز داشت، اما سپس آنقدر شدید شد که پولس لازم دید تیتوس را برای آغاز تازه یا تجدید شور برای حقایق که کلیسا با آن ها آغاز کرده بود، به کار گیرد. ممکن است کلیسا در دهه ۶۰ میلادی در نسل دوم خود بوده باشد و اغلب کلیساها ابتدا هیجان زده می شوند و بعد ۱۰ یا ۲۰ سال بعد به عقب برمی گردند و مرده اند.

ما این را اسمی گرایی می نامیم، وقتی مردم فقط به اسم مسیحی هستند و واقعا، مانند کلیسای افسوس در مکاشفه، عشق اول خود را از دست داده اند. پس چنین سناریویی می تواند فعالیت سطح زمین آموزش کشیشان را که پولس بر تیتوس گذاشته توضیح دهد، اما در عین حال، حضور شورش و فریب در کلیسا که به نظر می رسد تاریخچه ای داشته است. پس وقتی تایتوس را می خوانی، موضوع کمی پیچیده است.

آیا چیزی جدید شروع می کنید یا با مشکلات قدیمی دست و پنجه نرم می کنید؟ و در این سناریو، پاسخ مثبت است. یک بازراه اندازی لازم است چون کلیساهایی که مدتی آنجا بوده اند، ارتباطشان با پیام انجیل و زندگی کردن پیام انجیل را از دست داده اند. پس ما اطلاعات کافی درباره کرت یا ساکنانش نداریم که بتوانیم درباره آن ها یا محیط فرهنگی شان بیشتر بگوییم.

ما آنچه را که از کتاب تیتوس و برخی چیزهای دیگر که ذکر می کنیم می دانیم، اما این موضوع چندان زیاد نیست. آنچه می دانیم این است که آنجا یک مکان واقعی بود. این شهر حضور قابل توجهی در جهان یونانی-رومی داشت و خرابه های آن هنوز هم گواهی بر شهرها و شهرک های پرجنب و جوش در زمان پولس هستند.

تیتوس چطور؟ ما چیزهای زیادی درباره تیموتائوس از عهد جدید می دانیم. ما چیزهای زیادی درباره تیتوس از عهد جدید می دانیم. نام او ۱۴ بار در عهد جدید آمده است.

تنها دو مورد از این ها در نامه های کشیشی وجود دارد. یکی وقتی در تیتوس ۴:۱ به نام او را سلام می کند، و یکی در پایان ۲ تیموتائوس ۴:۱۰، جایی که می گوید تیتوس به دالماسی رفته است. این ارجاعات نشان می دهد که تیتوس در اواخر عمر پل همکار فعال او بوده است.

اما ارتباط او با پولس به تألیف پولس از کتاب غلاطیان برمی گردد که فکر می کنم می توانیم آن را در اواخر دهه ۴۰ میلادی قرار دهیم. در غلاطیان ۱:۲، پولس، وقتی درباره تغییر دین و خدمت هایش صحبت می کند و وقتی به اورشلیم رفت و با ستون های اورشلیم مشورت کرد، می گوید: من با برنابا به اورشلیم رفتم و تیتوس را هم با خود بردم. این نشان می دهد که حدود سال ۴۷ میلادی، زمانی که پولس و برنابا با ستون ها در اورشلیم ملاقات کردند، کشیشان اورشلیم، یعقوب، پطرس و یوحنا، تیتوس آنجا بودند.

و نه تنها او آنجا بود، بلکه آنقدر به حلقه درونی پولس نزدیک بود که وضعیت غیر یهودی بودنش مشکل ساز بود. او ختنه نشده بود. و پولس در غلاطیان ۳:۲ می گوید حتی تیتوس که با من بود، مجبور به ختنه نشد، حتی اگر یونانی بود.

از خواندن آیات اولیه فصل دوم غلاطیان می بینیم که مؤمنان دروغینی بودند که مخفیانه کشف کردند تیتوس ختنه نشده است و می خواستند خدمت پولس را بی اعتبار کنند چون به نظر آن ها هر کسی که عیسی را به عنوان مسیحا می پذیرد باید یهودی شود. آن ها باید تا حد امکان با یهودیت سازگار شوند، رژیم غذایی خود را تغییر دهند، سنت های قوم یهود را رعایت کنند و برای مردان این به معنای ختنه شدن است. و پولس و تیتوس در برابر این درک نادرست الهیاتی و این درخواست نامناسب ایستادگی کردند.

پولس می گوید: ما حتی یک لحظه هم تسلیم آن ها نشدیم تا حقیقت انجیل برای شما حفظ شود. و البته، اگر می خواهید بیشتر بخوانید، می توانید اعمال رسولان ۱۵ را بخوانید، زمانی که این موضوع به نقطه اوج رسید، و یعقوب و پولس و پطرس و برنابا و کلیسای اورشلیم همه تصمیم گرفتند که پیام انجیل، برای پذیرش کامل آن، از افرادی که از نظر قومی یهودی نبودند از آنها نمی خواهد که ختنه و قوانین غذایی یهودی را بپذیرند و سنت هایی را که یهودیان رعایت می کردند رعایت کنند قرن اول. آن ها نگفتند که یهودیان باید یهودی بودن را کنار بگذارند، اما گفتند که غیر یهودیان نیازی ندارند در آداب یهودی، به ویژه رژیم غذایی و ختنه، که در آن زمان و هنوز در سراسر جهان نماد میراث یهودی بود، شرکت کنند.

پس جالب است وقتی تیتوس را می خوانید که برخی از همین دینامیک ها، مثل مؤمنان دروغین و چالش یهودی برای تعالیم انجیل، قرار بود این چیزها را در تیتوس ببینیم و این ها تقریباً ۲۰ سال زودتر، تقریباً در غلاطیان پیش بینی شده اند. دیگر عهد جدید به خوشه تیتوس در دوم قرن تیان اشاره دارد که نزدیک به یک دهه پس از نگارش غلاطیان است. و تیتوس عمیقاً در مذاکرات میان پولس و جماعت قرن تیان دخیل است.

رابطه آن ها با پولس پرتنش است چون به نظر می رسد آنچه پولس آن ها را رسولان دروغین، ابررسولان می نامد، وجود دارند که تلاش می کنند جماعت قرن تیان را به سمت درک خودشان از انجیل و نه درک پولس از انجیل، تسخیر کنند. بخشی از خدمت پولس در طول سال ها در یونان و مقدونیه و بخش مرکزی امپراتوری روم در مدیترانه، برای مؤمنان غیر یهودی بود که برخی از آن ها چندان ثروتمند نبودند، در واقع برخی بسیار فقیر بودند، اما فداکاری های زیادی کردند تا جمع آوری کنند و به مؤمنان یهودیه بازگردانند که واقعا شک داشتند این مردم حتی مسیحی باشند چون غیر یهودی بودند. و پولس می خواهد به مؤمنان یهودیه یگانگی بدن مسیح را نشان دهد.

و می توان گفت که می خواهد با نشان دادن اینکه بدن مسیح، از جمله جنبه غیر یهودی آن، به همه اعضای بدن، از جمله اعضای یهودی، احترام می گذارد، آتش بر سرشان بریزد. پس طی سال ها پول جمع شد و در نهایت پول به اورشلیم فرستاده شد، اما به دلایل امنیتی و همچنین برای اطلاع رسانی برای تأیید اینکه پول به آنجا می رسد، این مناطق مختلف کلیساهای غیر یهودی که پولس تأسیس کرده بود، افرادی را منصوب می کردند تا همراه پولس سفر کنند و بر اداره پول نظارت کنند. و بعد این مردها می توانستند برگردند و بگویند، پول آنجا رسید چون ما با پل سفر کردیم و تحویل داده شد.

خب، تیتوس بود، او عضو این هیئت محافظان و نمایندگان بود. در جریان نامه های پولس به مردم قرنطیان و مذاکره با قرنطیان، تیتوس بخشی از این تیم است. او بخشی از رفت و برگشت بین پولس و قرنطیان است چون پولس، او به قرنطیان نامه نوشت و سفر می کرد و همزمان از دور با قرنطیان تبلیغ می کرد، کلیسا می کاشت و با قرنطیان برخورد می کرد.

و این تایتوس بود که بخشی از کارهای پیک را رفت و برگشت انجام می داد. خواندیم که تیتوس پولس را دلداری داد. تایتوس، پل تازه شده.

او از پاسخگویی قرنطیان تازه می شود و تیتوس به تشویق قرنطیان به مشارکت کامل در این مجموعه کمک می کند. و در تمام این مدت، پل تیتوس را شریک و همکار می نامد. و چند تا از نامه های پل هست که می نویسد، خب نه، هرگز تیتوس را به عنوان هم نویسنده نامه ذکر نمی کند، اما با این حال آن ها شریک و همکار هستند.

تیتوس در همان قدم هایی که پولس قدم می زد و با همان روحیه ای که پولس می رفت، قدم می زد. پس این تعریف بزرگی است، نه به اندازه ای که او برای تیموتی کرده، اما باز هم تعریف بزرگی است. پس، خلاصه اینکه، اگر نامه پولس به تیتوس در اواخر زندگی پولس نوشته شده باشد، پس او نزدیک به دو دهه همکار پولس بوده و تجربه خدمت در زمینه های مختلف داشته است.

او تازه کار نبود، بلکه کسی بود که پل فکر می کرد می تواند او را به عمل درآورد و بتواند درباره اظهارات مبهم این نامه کوتاه که نامش را تشکیل می دهد، گسترش دهد. ممکن است او هرگز به اندازه کافی تنها نبوده باشد و با این شرایط حساس باشد. این می توانست بزرگ ترین مأموریتی باشد که او داشته و بنابراین کتاب تبتوس بسیاری از اصولی را که پولس استفاده کرده بود و تیتوس اجرای آن ها را مشاهده می کرد، اما شاید هرگز مسئولیت کامل اداری آن ها را به تنهایی نداشت، ملموس یا متبلور می کند.

پس کتاب تیتوس تا حدی چیزهایی را که تایتوس در طول سال ها مشاهده می کرده، اما شاید هرگز مسئول اداره امور خودش نبوده است، شرح می دهد و تقویت می کند. این موضوع همچنین می تواند توضیح دهد که چرا نامه مختصر است و من اینجا می گویم که پولس به صورت اصطلاحی می نویسد. این همان واژگانی نیست که او با کولسی ها یا رومیان به کار می برد، اما از جهاتی کمی پیچیده تر است، درست مثل تیموتائوس اول و دوم.

این واژگان نسبتاً متمایزی است که استفاده می شود، اما او و تیموتی دو چیز مشترک داشتند: میراث یهودی و همچنین آن ها به ویژه پولس، که یک یونانی زبان بومی بسیار باهوش با واژگان بسیار بزرگ بود، و این را در تیموتائوس ۱ و ۲ می بینیم. فکر می کنم این را در تیتوس هم می بینیم و کماتی هست که او در تیتوس استفاده می کند اما در نامه های دیگر استفاده نمی کند و فکر می کنم این بازتاب رابطه ای است که او و تیتوس داشتند و این واقعیت که هر دو در منطقه ای یونانی بزرگ شده بودند و در حالی که پولس در اورشلیم آموزش دیده بود، آنجا بزرگ نشده بود. او آنجا به دنیا نیامده و به همین دلیل این گفت وگویی

صریح و کوتاه بین آن‌ها وجود دارد. اگر سخنرانی‌های قبلی را دیده باشید، من تا حدی به آمار در مورد واژه‌هایی که در نامه‌های عهد جدید آمده اعتیاد دارم. من به آنچه درباره‌شان صحبت می‌کنند علاقه مند و فکر می‌کنم بیشتر از همه درباره‌نامه صحبت می‌کنند، همان‌طور که در ۱ و ۲ تیموتائوس و در واقع در تمام نامه‌های پولس و دیگر نامه‌های عهد جدید نیز، بیشتر درباره‌خدا صحبت می‌شود.

خب، این جدولی از کلمات مهم و مهم در تیتوس است، این کلمات مهم نیستند و، اما، اما. فکر می‌کنم همه این‌ها اسم هستند. فکر می‌کنم یک فعل وجود دارد، هرچند آن فعل به صورت صفتی استفاده می‌شود اما این‌ها تقریباً همه اسم هستند. پس، شما خدا را دارید و سپس کلام برای کار یا عمل به معنای کار نیک یا اعمال نیک. ایمان داری، یک اصطلاح دیگر داری که همیشه با حرف بزرگ S به کار می‌رود و آن نجات دهنده است. سپس انسان یا انسان وجود دارد، کلام خوب، کلمه‌ای دیگر برای نیکی، آموزه‌ای که در سراسر نامه‌های کشیشی اهمیت دارد، سپس کلمه عیسی و مسیح. از شماره ۸ به بعد، اگرچه از ۸ به ۱۳ می‌رسد، همه این کلمات با همان فرکانس چهار بار تکرار می‌شوند. عیسی چهار بار و مسیح چهار بار. و فیض نیز همین‌طور است و عدد ۱۱ تنها فعل در این فهرست است اما به صورت مفعولی استفاده می‌شود. این واژه به صورت صفت استفاده می‌شود. این واژه به معنای سالم است و به آموزش سالم اشاره دارد. ما آن را به عنوان آموزه‌ای صحیح ترجمه می‌کنیم. پس این واژه به صورت استعاری برای اشاره به آموزه‌ای به کار می‌رود که باید قوی، صحیح یا سالم باشد.

سپس نکته پایانی، سوتر سه بار از خدا استفاده شده است، یعنی کلمه نجات دهنده سه بار به خدا اشاره دارد. خدا سه بار نجات دهنده است. یک بار به مسیح عیسی نجات دهنده اشاره دارد. وقتی به عیسی مسیح نجات دهنده اشاره می‌کند و در یک ارجاع هر دو خدا و عیسی مسیح نجات دهنده نامیده می‌شوند. پس، ناجی به طور گسترده استفاده شده که کمی این موضوع را نشان می‌دهد.

این با تیموتی ۱ و ۲ فرق دارد. او این کلمه را به کار نمی‌برد، بلکه از کلمه اول و دوم تیموتائوس استفاده می‌کند، او به طور گسترده از کلمه «خداوند» استفاده می‌کند و فکر می‌کنم دلیلش این است که این کلمه «خداوند» در عهد عتیق یونان بسیار رایج است و او و تیموتائوس این عهد عتیق را به اشتراک گذاشته‌اند، یعنی میراث یهودی. اما تیتوس به عنوان یک یهودی بزرگ نشد، بلکه در دنیای رومی بزرگ شد که کلمه نجات دهنده بیشتر با یک شخصیت خدایی مرتبط بود که بر همه چیز حکومت می‌کرد و به نوعی همه چیز را نجات می‌داد.

پس، هم به خاطر میراث تیتوس و هم به خاطر اینکه تیتوس در کرت خدمت می‌کند. پولس قرار نیست واژه خداوند را خیلی زیاد به کار ببرد چون خیلی کم از واژه نجات دهنده استفاده خواهد کرد و آن را به شکلی بسیار معنادار به کار خواهد برد، یعنی بارها و بارها همراه با خدا به کار خواهد برد. او بارها و بارها آن را همراه با عیسی یا عیسی مسیح به کار خواهد برد و به حدی که این یکی از راه‌های اصلی است که تیتوس الوهیت عیسی یا الوهیت عیسی مسیح را تأیید می‌کند. چون او را نجات دهنده می‌نامد و در منطق دین کتاب مقدس، نمی‌توان چند نجات دهنده داشت چون خدا یکی است. پس اگر خدا نجات دهنده است و اگر عیسی نجات دهنده باشد، پس عیسی خداست. پولس از واژه نجات دهنده برای اشاره به این حقایق استفاده می‌کند.

در نهایت، برای کسانی که علاقه مند هستند، کلمه کار چهار بار با کالوس تکرار می‌شود که خوب است. این واژه دو بار با کلمه agathos که به معنای خوب است اشاره دارد، اما کالوس ممکن است بار معنایی زیبایی‌شناسانه تری داشته باشد، به معنای خوب یا مطلوب. آگاهوس ممکن است بار اخلاقی بیشتری داشته باشد و از نظر اخلاقی خوب باشد.

یک مشاهده مقدماتی نهایی: یکی از ویژگی های منحصر به فرد یا تقریباً منحصر به فرد یا دست کم متمایز تیتوس این است که در پیش نویس همه حروف پولین با نام او شروع می شوند. بعد یک نوع سلام و احوالپرسی وجود دارد و بعد گیرنده را معرفی می کنید. این یک عرف در ادبیات هلنیستی بود، اگرچه پولس استفاده خود از این قرارداد را شخصی سازی کرده است.

اما در ستون سمت چپ که با رومیان شروع می شود و ترتیب رسمی را طی می کنید، ابتدای هر حرف پولس را می بینید: پائولوس به زبان یونانی، هر حرف پولسی این گونه آغاز می شود و تیتوس نیز استثنا نیست.

من آن را در آنجا پررنگ کرده ام و سپس مخاطب همه در رم، کلیسای خدا در قرنت، کلیساهای گالاتیا و مردم مقدس خدا را می بینید و این کلمه یونانی *hagios* یا قدیسان *hagioi* است اما NIV آن را «مردم مقدس» ترجمه می کند که به عنوان ترجمه قابل قبول است. برای تیموتائوس، به تیموتائوس، پسر راستین من، در ایمانی که اول تیموتائوس و دوم تیموتائوس برای تیموتائوس پسر عزیزم بود. سپس به تیتوس، پسر واقعی من در ایمان مشترکمان. پس مثال دیگری به فیلیمون، دوست عزیز و همکار کارمندان بزن.

پس، شما افراد گروه پولس را دارید اما بیاید تعداد کلمات یونانی بین نام پولس و گیرنده را بشماریم و اینجاست که تیتوس برجسته می شود. اگر به حروف تیموتائوس بین پولس و تیموتائوس نگاه کنید، ۱۴ کلمه یونانی دارید، ۲ تیموتا، ۱۳ کلمه یونانی. وقتی او تسالونیکیان را می نویسد، فقط چهار کلمه بین پولس و تسالونیکی وجود دارد، اما در رومیان ۷۱ کلمه است. اگر به کتاب رومیان نگاه کنید، متوجه می شوید که پولس است. بعد شش یا هفت آیه به رومی ها و تقریباً یک الهیات نظام مند بین نام او و رومی ها وجود دارد.

همچنین در کتاب غلاطیان ۲۵ کلمه بین پولس و غلاطیان کمی گسترش یافته است. اما تیتوس ۴۶ کلمه است که بین نامش و زمانی که به تیتوس نامه می نویسد زیاد می گوید. بنابراین، ما می خواهیم توجه ویژه ای به این کلمات داشته باشیم چون در نامه های پولس برجسته اند و احتمالاً اطلاعات زیادی در اینجا وجود دارد که پولس می خواهد هنگام نوشتن به تیتوس تقویت کند و شاید همچنین بخواهد در کلیساهای کرت تقویت شود.

او می خواهد تیتوس این را بگیرد و اگر احتمال داشته باشد که این کپی شده و ارسال شده باشد یا این برای تیتوس فرستاده شده باشد و تیتوس از آن در آموزش اعضا یا رهبران آنجا استفاده کرده باشد. در این صورت، در ابتدای نامه، یک ضربه الهیاتی اضافه برای استفاده تیتوس در آموزش رهبری در کرت وجود دارد.

خب، به فصل اول تیتوس می رسیم و من شروع فصل ها را با رنگ سبز علامت گذاری کرده ام. در این درس، همانند تیموتی اول و تیموتی دوم از نظر عناوین، یک عنوان باز شده است و من سرفصل های NIV را دنبال می کنم. یکی از ویژگی های متمایز تیتورها در NIV این است که بعد از عبور از ابتدای صفحه، همه تیتورها کلمه «خوب» دارند تا به نکات نهایی برسید. پس شما بزرگانی را منصوب می کنید که عاشق خوبی هستند و کسانی را که در انجام کار خوب شکست می خورند، سرزنش می کنند.

وقتی به فصل دوم می رسیم که برای انجیل کار نیک انجام می دهیم و فصل سوم را نجات می دهیم تا کار نیک انجام دهیم. پس نکات مثبت زیادی وجود دارد و جزئیات را در طول نامه خواهیم دید. پولس، خدمتگزار خدا، و من کلماتی را که مستقیماً به خدا اشاره دارند زرد می کنم چون نجات دهنده بخش بزرگی از سخنان تیتوس است. همچنین کلمه *Savior* را زرد می کنم و وقتی با حرف بزرگ نوشته می شود. البته، دقیقاً به خدا یا مسیح اشاره دارد و همیشه با حرف بزرگ نوشته می شود.

در کتاب تیتوس، «پولس بنده خدا، رسول عیسی مسیح برای پیشبرد ایمان برگزیدگان خدا و دانش آنان از حقیقتی که به پارسایی منتهی می شود.»

در یک دقیقه زیرخط را توضیح می دهیم. «به امید زندگی ابدی که خدایی که دروغ نمی گوید» نیز می تواند «کسی که نمی تواند دروغ بگوید» باشد. این به معنای واقعی کلمه خدای دروغگو است، خدایی که فریب نمی دهد. او پیش از آغاز زمان زندگی ابدی را وعده داد که پیش از آغاز زمان وعده داده بود و اکنون در زمان مقرر و در زمان مناسب، از طریق موعظه ای که به فرمان خداوند، نجات دهنده ما، به من سپرده شده، آن را آشکار کرده است. به تیتوس، پسر راستین من در ایمان مشترکمان: فیض و صلح از سوی خداوند پدر و مسیح عیسی نجات دهنده ما.»

خب، فقط چند نکته درباره این کلمات دارم. پولس بنده خداست. این با تیموتی ۱ و ۲ فرق دارد. هیچ دقیقا نمی داند چرا اینجا خود را خدمتکار می نامد، اما این واقعیت را تغییر نمی دهد که او همچنین یک رسول است. شاید فقط در آن روز پولس می خواست بگوید هم دولوس است و هم آپوستولوس. لازم نبود این را بگوید، همان طور که در سخنرانی های قبلی اشاره کردم. ما رسولان را بسیار محترم می شماریدیم اما در جامعه احترام بالایی نداشتند. این واقعیت که حتی در کلیسا نیز به طور مکرر و آشکارا با آن ها مخالفت می شد، یادآور این است که در دهه های اول کلیسا هنوز اوضاع تثبیت نشده بود.

هنوز مشخص نبود که کلیسا چگونه اداره خواهد شد و درست مانند کلیساهای امروزی، اغلب اوقات کشمکش های قدرت وجود دارد، در کلیساهای اولیه نیز کشمکش های قدرت بسیار شدیدی وجود داشت. چند دقیقه پیش در اعمال رسولان ۱۵ و در شورای اورشلیم اشاره کردم که این بیست سال از وجود کلیسای اولیه گذشته و آن ها هنوز با اختلاف شدید بر سر اینکه آیا مردم باید یهودی شوند تا مسیحی شناخته شوند یا نه، مواجه بودند. این یک نسل کامل است. از آنجا که آن ها این تصمیم را در اعمال ۱۵ گرفتند و اکنون که تقریباً ۲۰۰ سال تاریخ کلیسا داریم، دیگر به دردهای رشد کلیسای اولیه و درگیری های که کلیسای اولیه پشت سر گذاشت فکر نمی کنیم.

وقتی به یک گزینه ممکن فکر می کنیم، به کسی فکر می کنیم که درست است و خدا عیسی او را انتخاب کرده یا پولس مسیح در راه دمشق به او ظاهر شده است، این بیشتر یک اصطلاح والا است. اما حواریون در دنیای باستان، سپس رسولان، هنوز مشخص نبود که آیا نام آن ها محترم شمرده می شود یا در گل و لای. در بسیاری از نقاط رساله ها می بینیم که این دو مخالف هستند. پس در آن زمان به آن ها گل و لای پرتاب می شد. پس، رسولان خدمتگزار بودند، خدمتگزاران مسیح بودند، خدمتگزاران کلام بودند. آن ها خدمتگزاران جماعت ها بودند. آن ها خدمتگزاران دنیایی گمشده بودند که قدردان این نبودند که خدا برای خیر خودشان به سراغشان می آید.

وضعیت خدمتگزاری رسولان با این واقعیت تأیید می شود که تقریباً همه آن ها شهید شدند. ما فکر می کنیم رسول یوحنا به طور طبیعی مرد، اما فکر می کنیم بقیه آن ها شهید شدند. در بسیاری موارد می توانیم این را با شواهد تاریخی تأیید کنیم.

در یک دقیقه به خط کشیده می رسم اما او یک رسول است و یک خدمتگزار. او برای پیشبرد ایمان آن ها می نویسد و با آگاهی مطمئن از زندگی جاودان می نویسد. منظورم این است که کلمه امید اینجا به همین معنی می دهد، چون خدایا، آنچه قول می دهد انجام دهد، می گوید هنوز انجامش نداده است. ما امید داریم اما این امیدی است که به خاطر کسی که این وعده را تضمین می کند، امن است. او با امید به زندگی ابدی می نویسد که خدا پیش از همه زمان ها و پیش از آغاز زمان وعده داده بود و اکنون تحقق یافته است.

او این وعده را در کمال زمان به روشنی آورده و این کار را از طریق موعظه انجیل انجام داده است. البته، مسیح باید می آمد تا درباره اش موعظه شود اما اینجا او توقف نمی کند و درباره تجسد صحبت نمی کند. او فرض می کند که مسیح آمده مسیح، مرده است، مسیح آمده است، مسیح برخاسته پسر دست راست پدر است.

او بعداً به بازگشت مسیح اشاره خواهد کرد اما آمدن مسیح موعظه مسیح را ممکن کرده و آن موعظه به من سپرده شده است. پولس می گوید و مسئولیت ویژه ای نسبت به جهان غیر یهودیان دارد. تیتوس غیر یهودی است و کرت منطقه ای غیر یهودی است.

همه این ها به فرمان خداوند، نجات دهنده ما، است، پس اینجا چیزهای زیادی درباره خدا وجود دارد. در اینجا مطالب زیادی درباره وفاداری خدا، صداقت خدا، نقشه خدا، پاداش دریافت انجیل، یعنی زندگی ابدی، کلیسای و چگونگی رسیدن انجیل به جهان غیر یهودیان وجود دارد؟

این از طریق انتصاب رسولان است. رسول چیست؟ خب، آن ها خدمتکار بودند.

در این ۴۶ کلمه یونانی اطلاعات فراوانی وجود دارد و وقتی این را به تیتوس پسر واقعی ام می گوید، این شبیه چیزی است که برای پیوند دادن آن به تیموتائوس می گوید. فکر می کنم این نشان دهنده نزدیکی بین آن ها است، پیوندی که بینشان بود چون ایمان مشترکی داشتند. این زبان عهد است، تأییدی بر اعتماد به خدایی که خیلی وقت پیش جهان را آفریده بود.

سپس پس از سقوط انسان و پس از طوفان و غیره، او به ابراهیم وعده می دهد که در ابراهیم همه ملت های جهان برکت خواهند یافت. به ویژه در جایی مانند رومیان ۴، پولس میراث ابراهیمی را برجسته می کند و اینکه ابراهیم پدر همه مؤمنان است. او همین را در غلاطیان می گوید که تیتوس به طور مستقیم یا غیرمستقیم با این پیام انجیل به کل جهان مرتبط است، اما از جمله غیر یهودیان.

پولس می گوید ما فرزندان ابراهیم به ایمان هستیم و این ایمان مشترک ماست. این مال پل است که یهودی است. این تیتوس است که غیر یهودی است. این ایمان همه مردم خدا در طول اعصار است و در مسیح تحقق یافته است. وعده خدا در مسیح تحقق یافت.

بنابراین، پولس می تواند بنویسد و آرزو کند و می تواند، می توان گفت، توزیع کند. او می تواند فیض و آرامش را منتقل کند چون برای قربانی است و برای گرفتن است چون خدا آن را عطا کرده است. خداوند پدر آن را عطا کرده و مسیح عیسی نجات دهنده ما آن را به دست آورده است. پس تقریباً می توان گفت این یک نامه است، چون امید زیادی وجود دارد، الهیات فراوان است، تأییدی بر کامل بودن پیامی که نجات را به جهان می آورد.

اما پیش از آنکه به بخش دیگری درباره واژه های زیرین برویم، می خواهم عمیق تر به این ایده پردازم که ایمان برگزیدگان خدا و شناخت آن ها از حقیقتی که به خدایی منتهی می شود، برسد. این ها دو هدف خدمت گزاری و رسالت پولس هستند. اولین راه، تقویت ایمان برگزیدگان خداست. پولس قبلاً در دوم تیموتائوس گفته است که برای خاطر برگزیدگان همه چیز را تحمل می کند. او به گذشته وزارت خود نگاه کرده است. این یکی از راه های تفسیر پولس است. با زندگی چه کرده ای؟ خب، من همه چیز را برای خاطر برگزیدگان تحمل کرده ام تا آن ها نیز نجات را که در مسیح عیسی است با جلال ابدی به دست آورند.

پولس مؤمنان را با همین کلمه برگزیده می خواند، همان طور که در رومیان ۸:۳۳ و در کولسیان ۳:۱۲ آمده است، جایی که این واژه به کسانی ترجمه شده که خداوند برگزیده است. این عنوان ریشه ای کهن در انتخاب حاکم و مهربانانه خداوند برای مردمی رستگار شده از طریق دعوت ابراهیم و دعوت نسل های بعدی او دارد. می توانیم درباره آن در پیدایش ۱۲ و سپس در رومیان ۹ و ۱۱ نیز بخوانیم. پولس این زبان و جایگاه مردم را تأیید می کند.

عیسی نیز پیروانش را در زمان عیسی فراخواند. خاخام ها پیروان را فرا نمی خواندند، می آمدند و به آن ها می پیوستند. اما در عهد جدید می خوانیم که عیسی یک شب تمام شب بیدار ماند و دعا کرد و روز بعد که بیدار شد، ساعت دوازده را صدا زد. او آن ها را منصوب کرد، نوشته که باید با او باشند. فکر می کنم این نماد چیزی است که درباره کسانی که به خدا ایمان می آورند بسیار درست است. خدا پشت صحنه کار می کند. می توانیم بگوییم آن ها را آماده کنید تا برای عشای ربانی با او، خدمت به او و پرستش او آماده شوند. او پیروانش را برگزیدگان و از دیدگاه وسیع کتاب مقدس می نامید. کمتر مفهومی وجود دارد که به اندازه انتخاب شدن توسط خدا برای هویت قوم خدا بنیادی باشد، چه درباره اسرائیل صحبت کنید و چه درباره ابراهیم.

این ها همه افرادی هستند که خدا به آن ها ظاهر می شود و نمی توانی فقط با یک اشاره بگویی باشه خدا، من اینجا هستم. نمی توانی چراغ را مالش دهی و خدا آنجاست. به ویژه در دنیای باستان که فساد زیادی وجود داشت و مردم به خدایان زیادی ایمان داشتند. خدای ابراهیم به نوعی به ابراهیم رسید و ما نمی توانیم آن را توضیح دهیم جز اینکه خدا مهربان است و هر کاری که بخواهد انجام می دهد.

هرچه پولس در تیتوس بنویسد، این هویت قوم خدا بودن را گسترش داده و تثبیت خواهد کرد.

هدف دوم خدمت پولس و رسالت او مربوط به شناخت حقیقتی است که به خدایی منتهی می شود. آن ها به مردم برگزیده خدا اشاره دارند و این دانش را می توان مطابق با خدایی فهمید. این دانش مبهم از خدا نیست. این یک پارسایی تصادفی نیست، باشه، من خدا را می شناسم و بعد هر طور که بخواهم زندگی می کنم. این یک هنجار و این خدایی را دارد که قبلا در اول تیموتائوس و دوم تیموتائوس زیاد دیده ایم. تقریباً در همان زمان در ۲ پتر، پتر خواندگانش را به همان کیفیت شخصیت تشویق می کند. این خدایی است که عملاً بیان می شود. زندگی کردن در موقعیت های واقعی شناخت خدا است که من دیده ام دانش خدا می تواند رسمی باشد. ممکن است به باور انتزاعی منحرف شود. این می تواند از نظر ذهنی تحریک کننده باشد اما زندگی فرد را تغییر نمی دهد.

اما برخلاف این دانش نظری یا دانش فرضی، پولس در کتاب دوم تیموتائوس درباره این موضوع صحبت می کند: مردم همیشه در حال یادگیری هستند اما هرگز قادر به دانستن حقیقت نیستند. پولس دانشی از حقیقت دارد که برای گرایش دینی روزمره خواندگانش و نحوه انجام امور روزمره، روابط و رفتارشان تفاوت ایجاد می کند.

این تأکید عملی در ابتدای نامه راه را برای تأکید پولس بر آثار بعدی نامه هموار می کند. و فکر می کنم پولس حقیقت را به گونه ای به کار می برد که موضعی جدلی یا دفاعی نسبت به مخالفان جایگاه رسولی و پیام رسولی اش را پیش بینی می کند. او برای پیشبرد حقیقت می نویسد و به تایتوس که در باتلاقی از شبه حقیقت ها و دروغ هایی است که باید به آن ها بپردازد.

ما می‌توانیم به سرعت در بخش بعدی پیش برویم و بزرگانی را منصوب کنیم که به خوبی‌ها علاقه دارند. پولس می‌گوید دلیل اینکه تو را در کرت گذاشتم این بود که بتوانی آنچه ناتمام مانده را مرتب کنی و در هر شهر بزرگان منصوب کنی، همان طور که دستور دادم.

حالا، این‌ها چند شرط است: یک سالمند باید بی‌گناه باشد، به همسرش وفادار باشد، مردی که فرزندانش معتقدند و در معرض اتهام وحشی و نافرمانی نیستند، به یاد داشته باشید این‌ها کلیساهای خانگی هستند، مردم گرد هم می‌آیند، خانواده‌های مسیحی در خانه کسی گرد هم آمده‌اند. بنابراین، مهم بود که مرد ازدواج مسیحی داشته باشد و دین والدین به عنوان ناظر با فرزندان مشترک باشد. پس می‌بینید که ناظر اینجا، یک بزرگ، به همان شیوه‌ای که خانه خدا را مدیریت می‌کند، استفاده می‌شود. او باید بی‌گناه باشد، سلطه‌گر نباشد، زود عصبانی نشود، اهل مستی نباشد، خشونت آمیز نباشد و دنبال منافع نادرست نباشد. بلکه باید مهمان‌نواز باشد، کسی که خیر را دوست دارد، خودکنترل، درستکار، مقدس و منضبط باشد. او باید به پیام قابل اعتماد همان گونه که آموزش داده شده، محکم پایبند باشد تا بتواند دیگران را با آموزه یا آموزه صحیح تشویق کند و مخالفان آن را رد نماید.

پس این یک تصویر کوتاه است، یک توصیف کوتاه از نوع و کیفیت فرد. از آنجا که نوشته وفادار به همسرش، واضح است که او فرض می‌کند این مرد است. این مردی است که تیتوس باید مراقبش باشد و باید اصرار کند تا برای رهبری در گروه‌های سلولی، گروه‌های کوچکی که در کرت تأسیس شده بودند و به سمت تبدیل شدن به کلیسا رشد می‌کردند، آموزش ببینند.

حالا هر بند در هر کلمه‌ای که می‌توانیم اینجا را بررسی کنیم می‌توانیم بررسی کنیم اما من فقط می‌خواهم به این ایده بی‌گناهی یک بزرگ‌تر نگاه کنم چون از تجربه می‌دانم خیلی‌ها می‌پرسند این یعنی چه؟ وقتی کلیساهای درباره اینکه چه کسی را باید فرا بخوانیم بحث می‌کنند؟ برخی کلیساهای از این‌ها برای شماسان استفاده می‌کنند، برخی فقط برای کشیشان، اما این‌ها قطعاً شرایطی برای رهبری خدایی در هر کلیسایی هستند.

بی‌گناهی یعنی چه؟ برخی خواهند گفت خب، من نمی‌توانم وزیر شوم چون بی‌گناه نیستم. پس بیاید عمیق‌تر شویم و بررسی کنیم این یعنی چه و توجه کنیم که پولس آن را در آیه ۷ تکرار می‌کند. پس این موضوع مهم است.

خب، این کلمه نمی‌تواند به معنای بی‌گناه یا از نظر اخلاقی کامل باشد، چون پولس می‌داند که همه ما گناه می‌کنیم و از جلال خدا کم می‌آوریم. پس ما این را می‌دانیم، فکر می‌کنم این به سختی می‌تواند به معنای فردی فوق العاده باشد در نظر همه کسانی که زندگی‌ای دارند که هیچ مدرک قانع‌کننده‌ای از تخلف ارائه نمی‌دهد، این چیزی است که یک مفسر فکر می‌کند.

یعنی باید دنبال کسی باشید که زندگی‌اش هیچ مدرک قانع‌کننده‌ای از تخلف ارائه نمی‌دهد. این برخلاف آموزه عیسی است که پیروانش را دوست نداشته می‌کنند و حداقل برخی افراد با آن‌ها مخالفت خواهند کرد. عیسی به تو افسوس می‌خورد وقتی همه درباره تو خوب صحبت می‌کنند و پولس همین را به تیموتائوس می‌گوید. او می‌گوید هر کسی که بخواهد زندگی خدایی در مسیح عیسی داشته باشد، مورد آزار و اذیت قرار خواهد گرفت. آزار و اذیت به معنای خطا یا اتهام به اشتباه است و تعریف بی‌گناهی به معنای کامل بودن است و همه فکر می‌کنند تو بهترین چیز از زمان نان برش خورده هستی. این برخلاف فرض نامه است، زیرا این نامه به مسئله واقعیت افرادی که از ایمان و عمل رسولی منحرف می‌شوند و کسانی که از آنچه پولس و تیتوس نمایندگی می‌کنند منحرف می‌شوند، می‌پردازد.

واضح است که هیچ پل و تیتوس را بی گناه نمی داند چون آن ها مخالف آن ها هستند. آن ها آن ها را به خاطر باورهایشان سرزنش می کنند، آن ها دیدگاه ها و آیین های متفاوتی می خواهند، پس برای بت پرستان و یهودیان متقاعد. هیچ که انجیل پولس را تبلیغ می کرد، نمی توانست بی گناه تلقی شود.

اما دو بخش دیگر از عهد جدید وجود دارد که از این واژه استفاده می کنند و ممکن است به ما کمک کنند. اول در اول قرنیتان، پولس به کرنیتان می گوید که عیسی مسیح شما را تا پایان استوار نگه خواهد داشت تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بی گناه باشید. پولس نمی گوید قرنیتان کامل اند یا در نهایت چیزی خواهند بود که اکنون نیستند، چون آنچه هستند همان چیزی است که هستند. اول قرنیتان نامه ای است که قرنیتان را زیر سؤال می برد، می توان گفت آن ها را به اشتباهات زیادی محکوم می کند. اما او می گوید که به عنوان مؤمنان به مسیح، فیض انجیل را دریافت کرده اند و از طریق ایمان دارای عدالت هستند و این عدالت از طریق ایمان به آن ها اطمینان می دهد که خداوند اکنون تبرئه شده است. آن ها از قبل قدیس هستند، حتی اگر در حال مبارزه باشند و در برخی موارد مرتکب خطا باشند. آن ها در نظر خدا به دلیل کفایت مرگ مسیح بی گناهند.

به همین ترتیب، پولس به کولسیان می گوید که خدا شما را با بدن فیزیکی مسیح از طریق مرگ آشتی داده تا شما را مقدس در برابر خود بدون عیب و بدون اتهام نشان دهد. این کلمه بی تقصیر است. پولس درباره کولسیان نمی گوید که آن ها بی گناهند. او همچنین نمی گوید که آن ها بالاتر از انتقاد و نحوه زندگی شان هستند چون پل به آن ها انتقاد می کند. اما او درباره جایگاه آن ها در حضور خدا به واسطه ایمانشان به مسیح عیسی صحبت می کند. آن ها دوست دارند که برای همه مردم خدا دارند، پیام انجیل را دریافت کرده اند و این پیام آن ها را دگرگون می کند و این کار کلام خدا به آن ها جایگاهی از بی گناهی در نظر خدا می بخشد.

پس می خواهم پیشنهاد کنم که بی گناه بودن به عنوان یک نامزد کشیشی یعنی زندگی در زمان حال به گونه ای که با آنچه فیض انجیل به کسانی که آن را ایمان دارند و دریافت می کنند می دهد، سازگار باشد. شما به شیوه ای مسیحی زندگی می کنید، انجیل را دریافت می کنید و آن را زندگی می کنید: اول قرنیتان و کولسیان هر دو با آموزه های اخلاقی که نشان می دهد وضعیت بی گناه خواننده از نظر الهیاتی باید به صورت عملی ظاهر شود، پر از تعالیم هستند و پولس نیز به تیتوس می گوید که نامزدهای کشیشی باید نشانه های قوی حضور فیض الهی را نشان دهند که زندگی ها را به سمت خدایی تغییر می دهد.

می توانیم آن را این گونه جمع بندی کنیم که متعهد به خداپرستی و رشد در ایمان واقعی و عمل پر بار باشیم. اگر به مسیح اعتماد کنیم، اگر روز به روز در رابطه ای از توبه برای خطاهایمان و رشد در انجیل و باروری و پیروی از او زندگی می کنیم. آن وقت شیطان می تواند هر چه می خواهد درباره ما بگوید و کسانی که مسیحیان را دوست ندارند می توانند ما و شاید حتی دیگران در کلیسا که حسادت می کنند یا ما را دوست ندارند را نقد کنند.

به دلایلی، منظورم این است که اگر کلیسای خیلی بزرگی داشته باشید، افرادی خواهید بود که یکدیگر را مقصر می دانند چون مردم همین کار را می کنند و با تردید به دیگران نگاه می کنند و فکر می کنند، خب، من آنقدرها هم بد نیستم یا با نحوه برخورد آن ها با فرزندانمان موافق نیستم یا ترجمه کتاب مقدس شان را دوست ندارم. دوست ندارم که دارند با ماشین برقی رانندگی می کنند. دوست ندارم که آن ها ماشین برقی نمی رانند.

راه های مختلفی وجود دارد که مردم یکدیگر را مقصر می دانند. اما فکر می کنم سیاست ها به صورت الهیاتی صحبت می کنند و او به تیتوس می گوید، تیتوس دنبال کسانی باش که در مسیح راه می روند و بعد آن چه

شکلی است. او نشانه های زیادی مثل وفاداری به همسر و فرزندانش و نه الکی بودن و همه این ها را نشان می دهد که به ما کمک می کند ببینیم بی گناهی چگونه در زندگی عملی شکل می گیرد.

خب، این سخنرانی مدت زیادی طول کشیده و ما مطالب مقدماتی زیادی اضافه کردیم. فکر می کنم کاری که می خواهیم بکنیم این است که الان متوقف شویم و بعد بقیه فصل اول را در سخنرانی بعدی ادامه دهیم و فصل دوم را تمام کنیم. ممنون

این دکتر رابرت یاریرو است در آموزش خود درباره نامه های شبانی و آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان. این جلسه ۱۲ است، مقدمه ای بر تیتوس، تیتوس ۱.